

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکزی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه الهیات

(M.A) پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

گرایش: فلسفه و حکمت اسلامی

عنوان:

نسبت میان خودشناسی و خداشناسی از نگاه ملاصدرا

استاد راهنما:

دکتر انشاءالله رحمتی

استاد مشاور:

دکتر موسی ملایری

پژوهشگر:

مرضیه حاجی قربانعلی دولابی

تابستان ۱۳۹۰

تقدیم بہ پدر و مادر از جنمدم:

حرف حرف این پایان را بہ پابوس مہر تان می آورم

کہ در خطہ خطہ می زندگیم سایہ ای از مہر افکنندہ آید

دلم در تمامی راہ بہ نگاہستان محکم بود.

"باشکر"

من میان واژه‌های خویش کم بودم و تو هر روز در کلاس، نور و آینه می آوردی و در مقابل آینه چشم‌هایم می‌نشاندی و من خویش را در نهایت هستی می‌دیدم. از قطره

می‌گفتی که در هر قطره دریایی است پنهان، به دنبال آن قطره تمام واژه‌های خویش را گشتم، در میان راه هر چه بودم و نبودم را جمع کردم که یک قطره شد...

و با قانون تو آن یک قطره را باید از دل چکید.

در این فرصت

مقام بلند و زحمات بی‌دریغ جناب آقای دکتر انشاء الله رحمتی را ارج می‌نم

و از دیگر استادان ارجمند نهایت تشکر و امتنان را دارم.

بسمه تعالی

تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب مرضیه حاجی قربانعلی دولابی دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی ۸۷۰۰۰۰۴۴۲۰۰ در رشته فلسفه و حکمت اسلامی که در تاریخ ۱۳۹۰/۴/۲۷ از پایان نامه خود تحت عنوان :
نسبت میان خودشناسی و خداشناسی از نگاه ملاصدرا با کسب نمره ۱۸/۲۵ و درجه عالی دفاع نموده
ام بدین وسیله متعهد می شوم :

۱. این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه ، کتاب ، مقاله و ...) استفاده نموده ام ، مطابق ضوابط و رویه های موجود ، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.
۲. این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح ، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
۳. چنانچه بعد از فراغت از تحصیل ، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم ، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
۴. چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچ گونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی : مرضیه حاجی قربانعلی دولابی
تاریخ و امضاء : [امضاء]

بسمه تعالی

در تاریخ ۱۳۹۰/۴/۲۷

دانشجوی کارشناسی ارشد خانم مرضیه حاجی قربانعلی دولابی از پایان

نامه خود دفاع نموده و با نمره ۱۸٫۲۵ به حروف **هجده و دو بیست و پنج** و با

درجه **عالی** مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما



بسمه تعالی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

XX

(این چکیده به منظور چاپ در پژوهش نامه دانشگاه تهیه شده است)

نام واحد دانشگاهی: تهران مرکزی	کد واحد: ۱۰۱	کد شناسایی پایان نامه: ۱۰۱۲۰۴۱۰۸۸۲۰۰۴
عنوان پایان نامه: نسبت میان خودشناسی و خداشناسی از نگاه ملاصدرا		
نام و نام خانوادگی دانشجو: مرضیه حاجی قربانعلی دولابی	شماره دانشجویی: ۸۷۰۰۰۰۴۴۲۰۰	رشته تحصیلی: فلسفه و حکمت اسلامی
تاریخ شروع پایان نامه: ۱۳۸۹/۴/۱	تاریخ اتمام پایان نامه: ۱۳۹۰/۴/۲۷	
استاد / استادان راهنما: دکتر ان شاء الله... رحمتی استاد / استادان مشاور: دکتر موسی ملایری		
آدرس: تهران، میدان سرآسیاب دولاب، خیابان کندی، خیابان تاجزاد، جنب حسینیه مکتب الزهرا، پلاک ۲۴، طبقه دوم. تلفن: ۳۳۱۷۵۲۰۸		
چکیده پایان نامه (شامل خلاصه، اهداف، روشهای اجرا و نتایج به دست آمده): پژوهش حاضر با هدف بررسی نسبت میان خودشناسی و خداشناسی از نگاه ملاصدرا شکل گرفته است. بدین منظور با توجه به علم حضوری و شناخت شهودی، اسفار اربعه صدرایی و اهمیتی که نظام حکمت صدرایی برای این علم قائل است، و دیگر مبانی‌ای که حکمت متعالیه بدان پایبند است، مانند فطرت، حرکت، تجرد و حدوث، فقر وجودی، معلولیت، جامعیت نفس و انطوی کبیر در صغیر، این نسبت مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحلیل‌ها نشان داد نظام حکمت صدرایی، بسیار جامع و کامل عمل می‌نماید و گویی هر انسانی به آن وارد شود، می‌تواند از راه‌های متفاوت به بررسی نسبت میان خودشناسی و خداشناسی بپردازد؛ زیرا لب لباب این حکمت چیزی جز شناخت انسان در پرتو شناخت پروردگار خویش نیست. اما بهترین راهی که نسبت میان خودشناسی و خداشناسی را نشان می‌دهد، همان علم حضوری است که رابطه‌ی دوسویه‌ی میان خودشناسی و خداشناسی را نشان می‌دهد.		

تاریخ و امضا:

مناسب است
 مناسب نیست

نظر استاد راهنما برای چاپ در پژوهش نامه دانشگاه

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	چکیده
	مقدمه

فصل اول: کلیات پژوهش

۲	۱-۱ بیان مسئله
۳	۱-۲ اهداف و اهمیت تحقیق
۳	۱-۳ پیشینه‌ی تحقیق
۵	۱-۴ سؤالات تحقیق
۵	۱-۵ فرضیه تحقیق
۶	۱-۶ محدوده و قلمرو تحقیق
۶	۱-۷ روش تحقیق
۷	۱-۸ محدودیت‌های تحقیق
۷	۱-۹ طرح تحقیق

فصل دوم: چیستی و اهمیت خودشناسی و خداشناسی در حکمت متعالیه

۱۰	مقدمه
۱۰	۲-۱ ملامت‌درا و حکمت متعالیه
۱۵	۲-۲ خداشناسی حکمت متعالیه
۱۵	۲-۲-۱ اهمیت خداشناسی در نزد فلاسفه
۱۶	۲-۲-۲ اهمیت خداشناسی در نزد ملامت‌درا
۱۷	۲-۲-۳ راه‌های خداشناسی صدرائی

- ۲۰ ۳-۲ خودشناسی در حکمت متعالیه
- ۲۱ ۱۱-۳-۲ اهمیت خودشناسی در نزد فلاسفه
- ۲۳ ۲-۳-۲ اهمیت خودشناسی از نگاه ملاصدرا
- ۳۰ ۳-۳-۲ انسان‌شناسی صدرایی

فصل سوم: خودشناسی

- ۳۵ مقدمه
- ۳۶ ۱-۳ جایگاه تاریخی و امکان نفس‌شناسی ملاصدرا
- ۳۷ ۱-۳-۱ اقبال شناخت بودن نفس
- ۳۸ ۳-۱-۲ برهان صدرا بر وجود نفس
- ۳۹ ۳-۱-۳ تعریف نفس
- ۴۱ ۳-۲ شناخت حقیقت نفس از طریق علم حضوری
- ۴۳ ۳-۲-۱ علم نفس به خویش از منظر سینایی
- ۴۴ ۳-۲-۲ علم نفس به خویش از منظر صدرایی
- ۴۵ برهان کلیت و شخصیت
- ۴۷ برهان غیب و شهادت
- ۴۹ ۳-۲-۳ علم نفس به قوا و آلات و لوازم و مقدمات خود حضوری است
- ۵۰ ۳-۲-۴ رابطه‌ی نفس با منشئات خود حضوری است
- ۵۱ ۳-۲-۵ مقایسه‌ی نظر ملاصدرا با دکارت در مورد علم نفس به خود
- ۵۶ ۳-۳ اتحاد عالم و معلوم
- ۵۷ ۳-۳-۱ بررسی نظر ابن سینا در مورد اتحاد عالم و معلوم
- ۵۹ ۳-۳-۲ اتحاد عالم و معلوم از نظر ملاصدرا
- ۶۰ منظور از «معلوم» یا «معقول» چیست؟

- منظور از اتحاد و بیان اتحاد عالم و معلوم ۶۰
- ۳-۳-۳ مقایسه‌ی نظر ملاصدرا با دیوید هیوم در مورد اتحاد عالم به معلوم ۶۵
- ۴-۳ اتحاد یا اتصال نفس با عقل فعال (خداشناسی و خودشناسی) ۶۸
- ۴-۳-۱ ارتباط نفوس بشری با نفوس فلکی ۶۹
- ۳-۴-۲ جایگاه وجود عقل فعال ۷۳
- ۳-۴-۳ مقایسه نظرات ملاصدرا با نظرات ابن رشد ۷۵
- ۴-۴-۳ کارکرد عقل فعال در نظام معرفت‌شناسی صدرایی ۷۸
- الف) عقل هیولانی ۷۸
- ب) عقل بالملکه ۷۹
- ج) عقل بالفعل ۷۹
- د) عقل مستفاد ۸۰
- ه) عقل فعال ۸۰
- ۳-۴-۵ نفرد نفوس ۸۳
- ۳-۴-۶ حل مسئله اتصال یا اتحاد با عقل فعال ۸۶
- ۳-۵ نسبت میان خودشناسی و خداشناسی ۸۹
- ۳-۶ اسفار اربعه ملاصدرا راه رسیدن به خودشناسی و خداشناسی ۹۴

فصل چهارم: خداشناسی

- مقدمه ۱۰۶
- ۴-۱ امکان شناخت خدا از طریق معرفه‌النفس ۱۰۷
- ۴-۲ راه‌های شناخت خدا از طریق معرفه‌النفس با توجه به مبانی دیگر حکمت متعالیه ۱۰۷
- ۴-۲-۱ معرفت فطرت نفس ۱۰۷
- الف) فطرت آگاهی ۱۰۸

۱۰۸(ب) فطرت دانائی
۱۰۹(ج) فطرت خواهانی
۱۰۹۲-۲-۴ معرفت تجرد و حدوث نفس
۱۱۰توضیح مقدمات برهان
۱۱۱ برهان اول
۱۱۱ برهان دوم
۱۱۴۳-۲-۴ معرفت حرکت نفس
۱۱۷۴-۲-۴ معرفت فقر وجودی نفس
۱۱۹۵-۲-۴ معرفت معلول بودن نفس
۱۲۱۶-۲-۴ معرفت جامعیت نفس
۱۲۴۷-۲-۴ انطوی کبیر در صغیر
۱۲۵الف-دلالت ذات انسان بر ذات حق
۱۲۵۱. شیوه علم حضوری
۱۲۵۲- از طریق علم حصولی
۱۲۶(ب) دلالت صفات انسان بر صفات حق
۱۲۶(۱) صفات ذات
۱۲۶۱-۱-۱ وحدت
۱۲۷۲-۱-۲ بساطت، تجرد، تقدس
۱۲۷۳-۱-۳ علم
۱۲۸(ج) دلالت صفت فعل انسان بر فعل حق (نحوه فاعلیت حق)
فصل پنجم: نسبت میان خود شناسی و خدا شناسی از نگاه ملاصدرا	
۱۳۲مقدمه
۱۳۲۵-۱ ویژگی های راه خودشناسی برای شناخت خدا

۲-۵ نسبت میان خودشناسی و خداشناسی از نگاه ملاصدرا ۱۳۴

فهرست منابع و مأخذ ۱۴۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نسبت میان خودشناسی و خداشناسی از نگاه ملاصدرا شکل گرفته است. بدین منظور با توجه به علم حضوری و شناخت شهودی، اسفار اربعه صدرایی و اهمیتی که نظام حکمت صدرایی برای این علم قائل است، و دیگر مبانی‌ای که حکمت متعالیه بدان پایبند است، مانند فطرت، حرکت، تجرد و حدوث، فقر وجودی، معلولیت، جامعیت نفس و انطوی کبیر در صغیر، این نسبت مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحلیل‌ها نشان داد نظام حکمت صدرایی، بسیار جامع و کامل عمل می‌نماید و گویی هر انسانی به آن وارد شود، می‌تواند از راه‌های متفاوت به بررسی نسبت میان خودشناسی و خداشناسی پردازد؛ زیرا لب لباب این حکمت چیزی جز شناخت انسان در پرتو شناخت پروردگار خویش نیست. اما بهترین راهی که نسبت میان خودشناسی و خداشناسی را نشان می‌دهد، همان علم حضوری است که رابطه‌ی دوسویه‌ی میان خودشناسی و خداشناسی را نشان می‌دهد.

مقدمه:

شناخت پروردگار از مهم‌ترین مسائلی است که در طول تاریخ ذهن بشر را به خود مشغول داشته است. میل به پرستیدن قدرتی بالاتر، همواره در وجود هر انسانی شعله‌ور است. این امر باعث شده، یکی از اساسی‌ترین اصولی که برای دانشمندان، فلاسفه، اندیشمندان، حکما، متکلمین، عرفا و ... انبیا و اولیای دینی، کتب مقدس و حتی برای فرد فرد انسان‌ها مطرح می‌شود، بحث خداشناسی باشد. معرفت پروردگار زیربنای همه‌ی شئون انسانی است تا حدی که اگر آدمی شناخت صحیحی نسبت به خالق خویش نداشته باشد، نمی‌تواند شناخت صحیحی نسبت به خود و جهان اطراف به دست آورد. و می‌توان به صراحت بیان داشت نوع و نحوه‌ی زندگی افراد انسانی بر اساس شناختی که از خداوند به دست می‌آورند، تفاوت پیدا می‌کند.

مهم‌ترین عامل اختلاف مکاتب و مذاهب و فرقه‌های دینی و اخلاقی، سیاسی و ... نیز به خداشناسی آنها بر می‌گردد؛ به این امر که آیا اصلاً اعتقادی به یک امر قدسی به نام خدا دارند یا اینکه منشأ عالم را مادی می‌پندارند، یا برای عالم، خدایان و یک خدای بزرگ در نظر می‌گیرند و باز اگر همانند ادیان توحیدی (یهودیت، مسیحیت، اسلام) قائل به امر قدسی واحدی به نام خدا برای عالم هستند او را چگونه توصیف می‌کنند و به شناخت او نائل می‌شوند؟ آیا می‌توان به شناخت کنه حقیقت پروردگار دست یافت؟ راه‌های شناخت پروردگار چیست؟ صفات خداوند چیست؟ آیا شناخت پروردگار برای هر انسانی امکان‌پذیر است؟ شناخت پروردگار تا چه میزان در زندگی بشریت مؤثر می‌باشد؟ و ...

بر اساس پاسخ‌های این سؤالات و امثالشان، آداب، رسوم، فرهنگ و تمدن‌ها، اصول اخلاقی، مکتب‌ها و نحله‌های فکری و در واقع انسان‌شناسی‌های متفاوت شکل می‌گیرد. از سوی دیگر ما در آثار دینی و عرفانی و فلسفی که قائل به امر قدسی واحدی به نام خدا برای عالم هستند و تمام جهان را تحت تأثیر او می‌دانند و حتی انسان بدون خدا را فاقد معنا و ارزش تلقی می‌کنند، مشاهده می‌کنیم که انسان نسخه‌ی الهی و دارای جامعیت کبری و عالم صغیر و جهان به عنوان انسان کبیر شناخته می‌شود و یکی از بهترین راه‌های خداشناسی را خودشناسی معرفی می‌کنند. حدیث معروف «من

عرف نفسه فقد عرف ربه» که از آن این امر مستفاد می‌شود «من لم يعرف نفسه لم يعرف ربه» به این امر اشاره دارد. بنابراین تحلیل، یک رابطه‌ی دو سویه میان خداشناسی و خودشناسی می‌توان در نظر گرفت.

ملاصدرا نیز یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان حکمت اسلامی است که از تأثیر متقابل این دو عامل غافل نبوده و تقریباً تمام بنیان مکتب فکری خود را به نسبت و رابطه و تأثیر متقابل میان انسان‌شناسی و خداشناسی اختصاص داده است. عنوان بزرگ‌ترین اثر به جای مانده از ملاصدرا یعنی اسفار اربعه که اهمیت نمادین بسیار عمیقی دارد و به شرح حال نفس انسانی میان انسان و خدا می‌پردازد، خود شاهدهی معتبر بر این مدعا است (نصر، ۱۳۸۲، ۹۴ و ۹۵). حال ما در این پژوهش بر آنیم تا با تکیه بر مبانی حکمت اسلامی که گویی ثمره‌ی آن در حکمت متعالیه‌ی ملاصدرا متبلور می‌باشد، نسبت میان خداشناسی و خودشناسی و تأثیراتی که این دو شناخت از منظر صدرایی بر هم می‌گذارند را مورد بررسی قرار دهیم.

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱- بیان مسئله

از دغدغه‌های انسان در طول تاریخ امکان معرفت و شناخت خداوند متعال از یک سو و امکان معرفت و شناخت انسان از سوی دیگر بوده است. نیم‌نگاهی به تاریخ بشریت و ادیان آسمانی ثابت می‌کند انسان با پرسش‌ها و چالش‌ها و شبهاتی در این دو زمینه روبرو بوده است. آیا شناخت انسان امکان‌پذیر است؟ آیا شناخت خالق امکان‌پذیر است؟ راه شناخت انسان چیست؟ راه‌های شناخت پروردگار چیست؟ آیا می‌توان از راه شناخت خود به شناخت خدا دست یافت؟ آیا شناخت خدا تأثیری در انسان‌شناسی دارد؟ آیا نسبتی میان خودشناسی و خداشناسی وجود دارد؟ چگونه از طریق شناخت خود می‌توان به شناخت پروردگار دست یافت؟ چه ویژگی‌هایی در انسان وجود دارد که باعث شناخت پروردگار می‌شود؟ ادیان توحیدی بخصوص دین مبین اسلام یکی از راه‌های شناخت خدا را خودشناسی معرفی می‌کنند.

با توجه به اهمیت این مسئله، در این پژوهش سعی شده با توجه به مبانی معرفت‌شناسی، نفس‌شناسی، خداشناسی حکمت اسلامی و اهمیتی که این حکمت برای علم حضوری و معرفت شهودی قائل است، و ثمره‌ی آن در حکمت متعالیه ملاصدرا نهفته می‌باشد، نسبت میان خودشناسی و خداشناسی و تأثیراتی که این دو شناخت بر یکدیگر می‌گذارند، مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۲- اهداف و اهمیت تحقیق

۱- هدف از این پژوهش این بوده است که با بررسی مبانی حکمت اسلامی که نمونه تعالی یافته و متکامل آن در حکمت متعالیه ملاصدرا نهفته می‌باشد، تأثیرات متقابل خداشناسی بر

انسان‌شناسی و بالعکس مورد بررسی واقع شود و نسبت میان شناخت انسان از خود و شناخت انسان از خدا در این تفکر بررسی شود.

۲- از سوی دیگر رابطه‌ای که میان انسان و خدا در این نوع تفکر برقرار است، می‌تواند برای انسان معاصر، که با وجود پیشرفت‌های علم و تکنولوژی هنوز دچار بحران هویت بوده و سردرگم و نگران خویشتن خویش را جست‌وجو می‌کند، بسیار امروزی و کارآمد عمل نماید. زیرا اساس و بنیان حکمت متعالیه ملاصدرا چیزی جز شناخت و تعالی گوهر وجودی انسان در پرتو شناخت خالقش نیست.

۳- اما مهم‌ترین هدف از این پژوهش تبیین حدیث معروف پیامبر(ص) است که در مورد شناخت حق تعالی فرموده‌اند: «من عرف نفسه فقد عرف ربه» (مجلسی، ۲، ۱۳۸۸، ۳۲)، (مجلسی، ۱۳۶۱، ۱۳، ۱۳) که از آن مفهوم می‌شود «هر کس خودش را بشناسد پس قطعاً پروردگارش را شناخته است» و اینکه نظام حکمت صدرایی در این باب چه تبیینی را ارائه می‌دهد.

۱-۳- پیشینه‌ی تحقیق

نسبت میان شناخت انسان از خود و شناخت انسان از پروردگار از جمله اموری است که در میان ادیان و مکاتب فکری بخصوص در دین مبین اسلام همواره مورد توجه بوده، و حدیث معروف پیامبر(ص) مبنی بر اینکه هر کس خود را بشناسد پس قطعاً خدایش را شناخته، سبب شده محدثین، متکلمین و حکمای اسلامی در این باب نظریه‌پردازی کنند. در سال‌های اخیر نیز بر این حدیث شرح-ها و تفسیرهایی ارائه شده است از آن جمله می‌توان به

۱- رساله‌ی قیس المقتبس، ملا حبیب شریف الکاظمی

۲- صدکلمه، رشیدالدین وطواط

۳- القول‌الأشبه فی حدیث من عرف نفسه، جلال‌الدین أبوبکر سیوطی

۴- معنی من عرف نفسه، الشیخ ابواسحاق

۵- رساله‌ی فارسی فی شرح حدیث: من عرف نفسه از عارف عبدالله بلیانی

- ۶- رساله‌ی فارسی در شرح حدیث: من عرف نفسه از عمادالدین بن یونس^۱
و از شروح جدیدتر بر این حدیث می‌توان به
- ۱- صدکلمه، حسن‌زاده آملی
 - ۲- هزارویک نکته، حسن‌زاده آملی
 - ۳- المیزان فی تفسیرالقرآن، ج ۶، ۱۶۹-۱۷۶
 - ۴- تبیین حکمی و عرفانی حدیث «من عرف نفسه فقد عرف ربه»، امیر شیرزاد
 - ۵- تأملی در ارتباط معرفت نفس و معرفت رب، سعید رحیمیان
 - ۶- تبیین عرفانی و حکمی حدیث شریف «من عرف نفسه، فقد عرف ربه» نزد امام خمینی، صدرالمتألهین و ابن عربی، عبدالله صلواتی
 - ۷- خودشناسی و خداشناسی، عبدالله جوادی آملی
 - ۸- خودشناسی در حکمت متعالیه صدرایی، مرضیه اخلاقی
 - ۹- خودشناسی و خداشناسی «شرح حدیث من عرف نفسه فقد عرف ربه»، میرزای قمی و ...
- می‌توان اشاره داشت. اما در این پژوهش سعی شده است علاوه بر پرداختن به نظرات گذشتگان در این باره، با نگاهی نوین نسبت به مبانی حکمت اسلامی که ثمره‌ی آن حکمت متعالیه ملاصدرا است، و با توجه به اهمیتی که این حکمت برای علم حضوری و درک شهودی برای شناخت قائل است، نسبت میان خودشناسی و خداشناسی مورد بررسی واقع شود.

۴-۱- سؤالات تحقیق

سؤالات اصلی

- ۱- چه نسبتی میان شناخت انسان از خود و شناخت انسان از خدا از منظر حکمت صدرایی وجود دارد؟
- ۲- شناخت انسان در نظام حکمت صدرایی چگونه امکان‌پذیر می‌باشد؟

^۱ برای اطلاع بیشتر در موارد ۱-۶ رجوع شود به کتاب موسوعه‌العقاید الاسلامیه، جلد سوم، محمدری شهری به مساعدت رضا برنجکار

۳- شناخت پروردگار در نظام حکمت صدرایی چگونه امکان‌پذیر است؟

سؤالات فرعی

۴- حکمت متعالیه‌ی صدرالمآلهین چگونه مکتبی است؟

۵- اهمیت خودشناسی از منظر نظام حکمت صدرایی چیست؟

۶- اهمیت خداشناسی از منظر نظام حکمت صدرایی چیست؟

۷- در تفکر صدرایی به چند روش می‌توان نسبت میان خودشناسی و خداشناسی را تبیین نمود؟

۱-۵- فرضیه تحقیق

۱- میان شناخت انسان از خود و شناخت انسان از پروردگار از نگاه ملاصدرا رابطه‌ی دوسویه‌ای وجود دارد، بدین صورت که بدون شناخت خدا شناخت حقیقت انسان میسر نیست و از سوی دیگر یکی از مهم‌ترین راه‌های شناخت خدا خودشناسی است.

۲- شناخت حقیقت انسان که همان نفس اوست، از منظر نظام حکمت صدرایی از طریق علم حصولی میسر نیست بلکه شناخت انسان از طریق علم حضوری و فنای عرفانی و در پرتو شناخت حق امکان‌پذیر است. البته ملاصدرا اعتقاد دارد نفس، از حیث ارتباط با بدن نیز می‌تواند مورد بررسی واقع شود.

۳- از منظر حکمت متعالیه کنه شناخت پروردگار برای هیچ انسانی مقدور نیست. اما همان‌طور که معرفت به دو طریق حصولی و حضوری امکان‌پذیر است، شناخت خدا نیز به هر دو طریق به اندازه‌ی وسع انسانی امکان‌پذیر است.

۴- حکمت متعالیه، حکمتی مبتنی بر یک بنیاد کاملاً مابعدالطبیعی حاصل شده از طریق شهود عقلی است، که در عین حال در قالبی معقول، البته نه راسیونالیستی، و با استفاده از ادله‌ی عقلی ارائه می‌شود؛ و این حکمت با محقق شدن، بلکه با تبدل یافتن وجود مُدرک این معرفت ارتباط نزدیکی دارد. و به تعداد نفوس انسانی قابل گسترش است.